

مهارت‌های
زندگی و کار

جوانان

مقدمه :

این مقاله به بررسی یافته‌های تحقیقی اختصاص دارد که در آن، دیدگاه‌های جوانان در بحث‌های مربوط به مهارت‌های زندگی انعکاس یافته است. در این طرح مطالعاتی که به بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های جوانان درباره‌ی مهارت‌های کلیدی زندگی، نظر آن‌ها درباره‌ی چگونگی کسب این مهارت‌ها، و میزان ضرورت این مهارت‌ها برای زندگی آتی آن‌ها پرداخته است، بیش از ۲۰۰ جوان ۱۶ تا ۲۱ ساله، شرکت داشتند. جوانان، تجربه‌ی شغلی را مهم‌ترین عامل برای کسب مهارت‌هایی توصیف کردند که به اعتقاد آن‌ها، برای موفقیت در عرصه‌های گوناگون زندگی کاملاً ضرورت دارند؛ به ویژه برای آنچه که از نظر آن‌ها مهم‌ترین موضوع است، یعنی: ارتباطات و مهارت‌های بین فردی. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای کارفرمایان، و تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران مسائل آموزشی شایان توجه و الهام‌بخش باشند.

مهارت‌های زندگی هرگز تا این اندازه مورد توجه نبوده‌اند. این موضوع برای دولت‌ها نیز اهمیت محوری پیدا کرده است. خط مشی‌های آموزش مهارت‌های زندگی به افراد جوان، با عرصه‌های آموزش و پرورش و کار ارتباطی نزدیک دارند؛ چرا که کسب مهارت‌های زندگی، به گسترش رقابت و غلبه بر انزوای اجتماعی کمک می‌کند. دگرگونی‌های پرشتاب اقتصادی در جهان، کسب این‌گونه مهارت‌ها را توسط بزرگسالان ضروری ساخته است، چون برخورداری از آن‌ها میزان سازگاری انسان را افزایش می‌دهد.

نویسنده: ژانت پونی و کوین لودن
شورای پژوهش‌های آموزشی اسکاتلند
مترجم: داوود حیدری

تشریح طرح

افراد بیگانه صحبت کنی، دیدگاه‌های خود را ابراز داری و اظهارنظر کنی. اگر کسی نتواند از عهده‌ی چنین کاری برآید، از عهده هیچ کار دیگری برنخواهد آمد.

مهارت‌های برقراری ارتباط با دیگران بسیار با اهمیت هستند، چون انسان همواره با این نوع مهارت‌ها سروکار دارد... هنگام تماس تلفنی، مصاحبه برای استخدام و تلاش برای جلب توجه مردم، این گونه مهارت‌ها انسان را در کنار آمدن و غلبه بر مشکلات زندگی توانمند می‌سازند.

مهارت‌های ارتباطی برای همه‌ی مراحل و جنبه‌های زندگی ضرورت دارند... برای این که دیگران برای شما اهمیت قائل شوند و به سخنان‌تان گوش دهند، و برای پیدا کردن اعتماد به نفس، داشتن چنین مهارت‌هایی لازم است. کارفرمایان از کارکنان انتظار دارند، در زمینه‌ی ارتباطات اجتماعی مهارت داشته باشند. تجارت و کسب و کار بر پایه‌ی ارتباطات اجتماعی قرار دارد.

جوانان بر همان انواع خاصی از مهارت‌های زندگی تأکید دارند که در واقع، اکثر کارفرمایان از کارکنان خود انتظار دارند. مهارت‌های قابل انتقال همچون کارگرومی، قابلیت انعطاف در انجام وظایف و مسؤلیت محوله، و ارائه خدمات مناسب به مشتریان، در واقع جزء جدایی‌ناپذیر از مجموعه مهارت‌هایی محسوب می‌شوند که تقریباً در هر شغلی ضرورت دارند.

● مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات: جوانان شرکت‌کننده در این پژوهش بر این باور بودند که مهارت‌های مربوط به چگونگی

در این طرح مطالعاتی، رابطه‌ی میان مهارت‌های زندگی و موفقیت‌های اقتصادی فرد بررسی شده است. بزرگسالانی که مهارت چندانی ندارند، با فرصت‌های اندکی برای یافتن شغل روبه‌رو هستند. هدف این طرح تحقیقاتی دستیابی به موارد زیر بوده است:

- مشخص ساختن مهارت‌های اصلی زندگی که افراد ۱۶ تا ۲۱ ساله از آن‌ها در مشاغل متفاوت، اوقات فراغت، محیط خانه و جمع خانوادگی استفاده می‌کنند و مقایسه‌ی این مهارت‌ها با مهارت‌هایی که دیگران ذکر کرده‌اند؛

- ارزیابی چگونگی و مکان کسب مهارت‌های زندگی و راه‌های تقویت و گسترش چنین مهارت‌هایی.

در این طرح پژوهشی، سه منطقه‌ی متفاوت جغرافیایی و اجتماعی در اسکاتلند و شمال شرقی انگلیس برای مطالعه انتخاب شدند تا جوانانی با پیشینه‌ی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند. در مجموع، با ۲۰۰ جوان در گروه‌های کوچک یا دوتایی مصاحبه شد و ابتدا عکس‌هایی که برخی از جوانان برای نشان دادن مهارت‌های زندگی گرفته بودند، موضوع بحث قرار گرفتند.

مهم‌ترین مهارت‌های زندگی از نظر جوانان

دیدگاه جوانان درباره‌ی مهارت‌های زندگی، با وجود تفاوت در میزان تحصیلات و محیطی که در آن زندگی کرده‌اند، به میزان چشمگیری شبیه یکدیگر بود. دیدگاه جوانان شرکت‌کننده در این طرح پژوهشی درباره‌ی مهارت‌های اصلی زندگی و قابلیت‌های فردی برای کنارآمدن با زندگی و تلاش برای افزایش فرصت و امکان اشتغال، مشابه همان دیدگاهی بود که کارفرمایان در گزارشی که «کنفدراسیون صنایع بریتانیا» (CBI) در این زمینه تهیه کرده بود، ابراز داشته بودند.

- مهارت‌های ارتباطی و بین فردی: جوانان، ضمن اعتراف به این نکته که برای یافتن شغل در دنیای بی‌وقفه در حال تغییر، داشتن سواد خواندن و نوشتن و ریاضیات ضروری است، اما تأکید داشتند، بر خورداری از «مهارت برقراری ارتباط و کنارآمدن با دیگران» بیش از هر عامل دیگری برای موفقیت در زندگی اهمیت دارد. از دیدگاه آنان، مهارت‌های ارتباطی در واقع تعیین‌کننده‌ترین مهارت در محیط کار و زندگی، و در مراد با دیگران است. در این جا، اظهارنظر چند نفر از دختران و پسرانی را که در این طرح پژوهشی شرکت داشته‌اند، نقل می‌کنیم:

«ارتباطات و مهارت‌های اجتماعی نقش حیاتی دارند. در اولین برخورد با آدم‌ها، باید توجه آن‌ها را به خود جلب کنی... بتوانی با



کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای گذراندن اوقات فراغت و اشتغال آن‌ها، از اهمیتی مشابه مهارت‌های برخورد چهره به چهره و برقراری رابطه با افراد دیگر برخوردار است، اما از بابت چگونگی فراگیری چنین مهارت‌هایی نگرانی چندانی احساس نمی‌کردند. مهارت‌های کار با رایانه که فراگیری آن‌ها برای افراد بزرگسال دشوار و نگران‌کننده است، برای جوانان نگران‌کننده نبود. آن‌ها از بازی با رایانه و کسب تجربیات بیش‌تر درباره‌ی این رسانه استقبال می‌کردند و به این فناوری اعتماد داشتند. با وجود این، عقیده داشتند که مدرسه مکان چندان مناسبی برای فراگیری مهارت‌های مربوط به رایانه نیست؛ چون به گفته‌ی آن‌ها، تجهیزات مدرسه روزآمد نیستند و مربیان آموزشی نیز توانایی چندان زیادی برای آموختن مطالبی فراتر از مسائل مقدماتی ندارند.

این احتمال وجود دارد که جوانان چندان از ضرورت مهارت‌های بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات که در آینده به آن نیاز خواهند داشت، آگاه نباشند. برخی از جوانان شرکت‌کننده در این طرح پژوهشی که قصد داشتند تحصیلات خود را در مقاطع عالی ادامه دهند، می‌گفتند مهارت‌های مربوط به رایانه را در دانشگاه خواهیم آموخت. برخی دیگر نیز می‌گفتند، در صورت ضرورت خواهند توانست به سادگی این گونه مهارت‌ها را فرا بگیرند.

● مهارت‌های چاره‌جویی (حل مسأله): جوانان بر ضرورت کسب توانایی تفکر در مواقع بحرانی و حساس، و مهارت حل مشکلات و مسائل در عرصه‌ی فعالیت‌های گوناگون، از جمله اتخاذ تصمیم آگاهانه، پیش‌بینی نتایج اقدامات در ارتباط با دیگران، و درک ساختار قدرت در محیط کار و گروه‌های هم‌سال و هم‌قطار تأکید ورزیدند. یکی از جوانان در این زمینه اظهار داشت: «برای برخورد با مسائل و رویدادها، ترکیبی از مهارت‌های ارتباطات و حل مشکل و چاره‌جویی ضرورت دارد. من اگر بخواهم در محل کارم تصویری خوب از خودم ارائه بدهم، یا بدون ایجاد حس ناخوشایندی در قبال خود، خیر ناگواری را به رئیس اطلاع بدهم، به داشتن مهارت ارتباطات احتیاج دارم. با داشتن چنین مهارت‌هایی می‌توان پی برد که چه کسی می‌تواند به انسان کمک کند و چه کسی می‌تواند مشکل ایجاد کند.»

مهارت لازم برای حل مشکلات را می‌توان از منابع غیرمتعارف کسب کرد: دو نفر از شرکت‌کنندگان در این طرح تحقیقاتی توضیح دادند که چگونه فعالیت‌های غیرقانونی خاصی به آن‌ها کمک کرده است، مهارت‌های قابل انتقالی را که اکنون در زندگی متعارف دوران بزرگسالی آن‌ها می‌توانند مفید واقع شوند، کسب کنند.

● مهارت‌های فیزیکی و اخلاق / زیباشناختی: جوانان شرکت‌کننده

اشتغال مهم‌ترین شکل تجربه برای کسب مهارت‌های قابل انتقال زندگی؛ همچون چگونگی رفتار با دیگران و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات محسوب می‌شود

در این پژوهش، از جمله مهارت‌های مهم و کلیدی، به مهارت‌های فیزیکی، اخلاق و زیباشناختی نیز اشاره کردند. مهارت‌های فیزیکی و چابکی در رفتار، جزو مهارت‌هایی محسوب می‌شوند که می‌توانند در زمینه‌های گوناگون، همچون پخت و پز، باغبانی، رانندگی، استفاده از تلفن همراه و رایانه کاربرد داشته باشند. مهارت‌های اخلاق و زیباشناختی برای نواختن آلات موسیقی، اهمیتی ویژه دارند.

انگیزه و آگاهی

نکته‌ی مهم دیگر از نظر جوانان این بود که مهارت‌های زندگی به تنهایی کافی نیستند و به کارگیری مؤثر مهارت‌های زندگی تحت تأثیر عواملی چون علاقه‌های فردی، انگیزه و قابلیت‌های فردی (مثل بردباری) قرار دارد. جوانان در عین حال بر این نکته تأکید کردند که به افراد کارها و وظایفی محول می‌شوند که درباره‌ی آن‌ها آگاهی دارند. برای مثال، فراگیری رانندگی به داشتن توانایی برای شناخت علائم و نشانه‌های رانندگی در جاده‌ها نیاز دارد.

اهمیت تجربه‌ی شغلی

دانشجویان بر این باور بودند که اشتغال مهم‌ترین شکل تجربه برای کسب مهارت‌های قابل انتقال زندگی، همچون چگونگی رفتار با دیگران و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که تجربه‌ی شغلی در مقایسه با آموزش رسمی، منبعی به مراتب ارزشمندتر برای فراگیری مهارت است. برتری تجربه‌ی شغلی بر آموزش رسمی در آموزش مهارت‌های زندگی به انسان‌ها، مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر تلقی می‌شود. جوانان، با پیش‌زمینه‌های متفاوت، در خلال این طرح تحقیقاتی تأکید کردند، محیط کار تجربیات بسیار ارزنده‌ای برای موفقیت شخصی در اختیار آنان قرار داده است:

«کار با رایانه به مهارت‌های متفاوت نیاز دارد. باید بین چشم و دست فرد هماهنگی وجود داشته باشد. او باید از مهارت برقراری

دانش آموزان سال ششم اسکاتلندی این گونه اظهار نظر کردند: «ما باید بتوانیم به صورت گروهی کار کنیم. این گونه مهارت‌ها، هم در مدرسه‌ها لازمند و هم در آینده و در شغلی که فرد به دست می‌آورد، می‌توانند مفید واقع شوند.»

گروهی از جوانان مورد مطالعه نیز این گونه اظهار نظر کردند: «کار گروهی به انسان در زندگی شخصی کمک می‌کند... قابلیت کارکردن با دیگران نکته‌ی مهمی است. کارگروهی به انسان در حل مشکلات و مسائل زندگی کمک می‌کند. به انسان کمک می‌کند تا هم به زندگی و هم به شغل خود سروسامان دهد.»

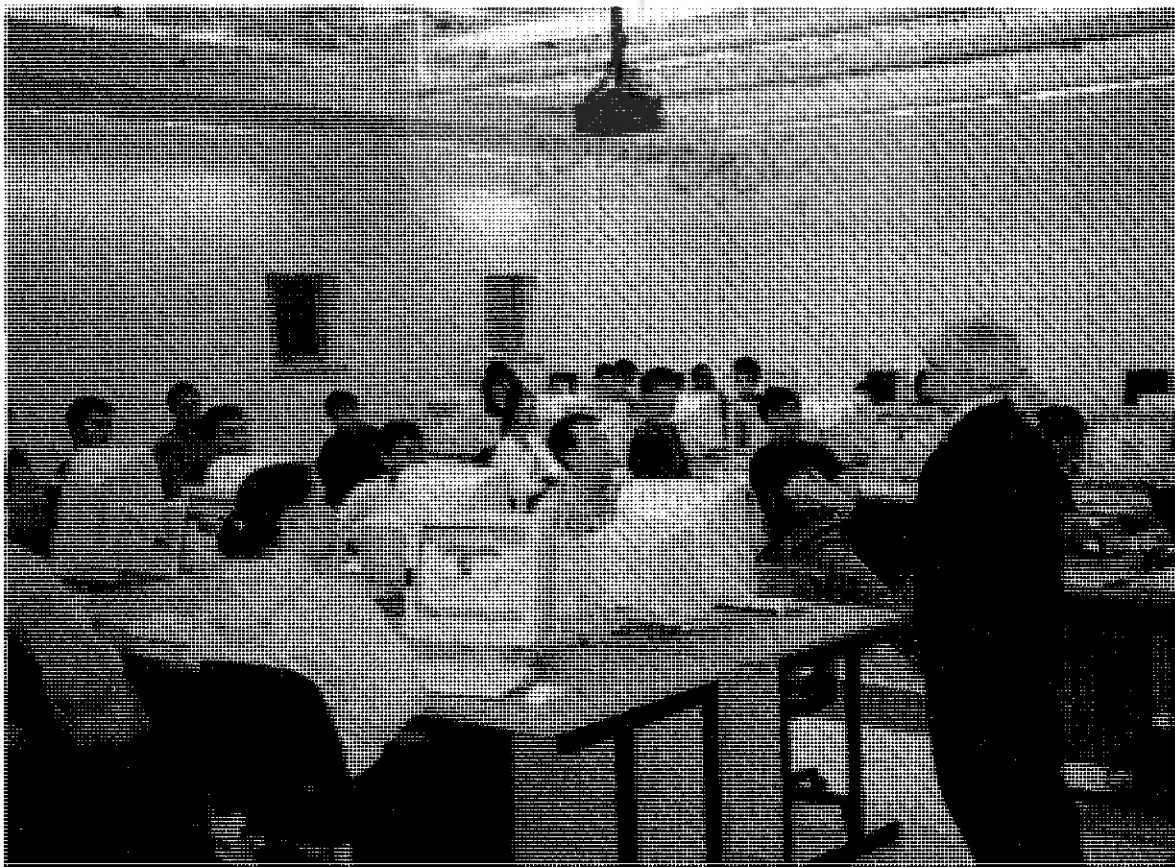
ملاحظات برای آینده

مدرسه‌ها چگونه می‌توانند مهارت‌های زندگی را تقویت کنند؟ با توجه به اهمیتی که دست‌اندرکاران مسائل آموزش و پرورش برای آموزش مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و چگونگی برقراری ارتباط با دیگران قائلند، جای بسی شگفتی است که جوانان، مدرسه را مکان چندان مهم و مناسبی برای کسب چنین مهارت‌هایی تلقی نمی‌کنند. تأکید بر جنبه‌های شناختی و ادراکی در برنامه‌های درسی مدرسه‌ها، و گنجاندن مطالب بیش از حد درباره‌ی مسائل شخصی، اجتماعی و بهداشتی در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان می‌تواند، نشانه‌ی انتظارات بیش از حد از مدرسه‌ها باشد. حتی اگر جوانان در ارزیابی خود از اهمیت تجربیات شغلی در کسب مهارت‌های

ارتباطات با دیگران برخوردار باشد تا در صورت روبه‌رو شدن با مشکل، از دیگران کمک بخواهد. بتواند از نرم‌افزارهای گوناگون استفاده کند و با مهارت و چابکی برنامه‌ها را به اجرا درآورد.»

جوانان با قاطعیت اعلام کردند، تجربیات فرا گرفته در محیط کار به گونه‌ای مستقیم به کسب مهارت در زمینه‌ی چگونگی برخورد و ارتباط با دیگران، به دست آوردن اعتماد به نفس و توانایی هدایت و رهبری دیگران کمک کرده است. به گفته‌ی جوانان، مهارت‌های فراگرفته در محیط کار در کسب مهارت‌های گوناگون در زمینه‌هایی چون ریاضیات، امور مالی و کارکردن با انواع خاصی از فناوری‌ها نقش داشته‌اند.

از گفته‌ی جوانان چنین برمی‌آید که آن‌ها تجربه‌ی شغلی را، چه به صورت کارآموزی سازماندهی شده از سوی مدرسه، چه به صورت اشتغال واقعی، برای کسب و ارتقای مهارت‌های زندگی بسیار مهم به شمار می‌آورند. گرچه برداشت منفی آن‌ها از نقش مدرسه در توسعه‌ی مهارت‌های زندگی ممکن است ناشی از مقتضیات سنی آن‌ها (گروه سنی ۱۶ تا ۲۱ سال) باشد، با وجود این، گروهی دیگر بر این باورند که دست‌اندرکاران آموزش و پرورش درک درستی از اهمیت تجربه‌ی شغلی در آموزش مهارت‌های زندگی ندارند. البته تاکنون نتیجه‌ی چندان مناسبی از گنجاندن درس آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه‌ی درسی مدرسه‌ها به دست نیامده است. (وستون و همکاران، ۱۹۹۶).



بررسی‌ها نشان می‌دهند، احتمال آموزش مهارت‌های زندگی به کارکنان تحصیلکرده که دارای مدارک دانشگاهی هستند، شش برابر بیش‌تر از کسانی است که تحصیلات چندانی ندارند

مهارت زندگی از آن‌ها استفاده می‌شود و در پی آن‌ها، برنامه‌های مناسب تجربه آموزشی به اجرا درمی‌آیند، نادر هستند، اما چنین روش‌هایی نه تنها به رشد و توسعه‌ی مهارت‌های زندگی جوانان کمک خواهند کرد، بلکه برای شرکت‌ها نیز سودمند خواهند بود.

● کارفرمایان می‌توانند، افزایش همکاری‌های خود با مدرسه‌ها و دیگر نهادهای مرتبط را بررسی کنند. تحقیقات به عمل آمده توسط کنفدراسیون صنایع انگلیس نشان می‌دهند که ارتباط چندانی بین دستگاه آموزشی و استخدامی، و مشارکتی بین آن‌ها وجود ندارد. همین امر سبب می‌شود، قابلیت‌ها و امکانات برنامه‌های آموزشی مدرسه‌ها نتوانند مهارت‌های مورد نیاز زندگی را به خوبی بین جوانان ایجاد و تقویت کنند.

● کارفرمایان و تصمیم‌گیرندگان، هنگام استخدام کارکنان، باید به این نکته توجه داشته باشند که بی‌کاری به مدت طولانی، افراد را از فرصت تقویت مهارت‌های زندگی (همچون خود-نمایی) که می‌توانند دریافتن شغل مؤثر واقع شوند، محروم می‌کند.

● کاملاً به نفع کارفرمایان است که به جای سپردن وظایف و کارهای ملال‌آور به جوانان که به سرعت آن‌ها را کسل، سرخورده و بی‌انگیزه می‌کند، از آموزش مهارت‌های زندگی به آن‌ها در محیط کار حمایت کنند.

● کارفرمایان باید از انتقال و فراگیری آموزش‌های مناسب برای زندگی توسط همه‌ی کارکنانشان، به ویژه آنان که نیازی بیش‌تری به این گونه مهارت‌ها دارند، اطمینان حاصل کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهند، احتمال آموزش مهارت‌های زندگی به کارکنان تحصیلکرده که دارای مدارک دانشگاهی هستند، شش برابر بیش‌تر از کسانی است که تحصیلات چندانی ندارند.

● انتقال تجربه و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد زمانی موفق خواهد بود که با نیازها، علاقه‌ها و توانایی‌های آنان سازگار باشد.

این نکته بیش‌تر درباره‌ی کسانی که در معرض کامیابی و موفقیت اندکی قرار دارند، مصداق پیدا می‌کند (ساندرز و دیگران، ۱۹۹۶). کارآموزی و آموزش مهارت‌های زندگی جوانان باید تحت

زندگی تا اندازه‌ای محق، و یافته‌های آن‌ها تا حدودی دقیق باشند، باز هم همین ارزیابی نسبی نشان می‌دهد که:

● جایگاه آموزش مهارت‌های زندگی در محیط کار، به عنوان جزء کوچکی از برنامه‌ی آموزشی ثانوی، نیاز به بازنگری دارد. اگر تجربیات شغلی نقش مؤثری در فراهم آوردن مهارت‌های زندگی ایفا می‌کنند، باید با دقت بیش‌تری مورد توجه قرار گیرند تا بتوان از این تجربیات به گونه‌ای سازمان یافته، برای بالا بردن میزان مهارت زندگی جوانان در خلال تحصیل آن‌ها در مدرسه، سود جست.

● طرح‌های ابتکاری، همچون تشکیل پرونده‌ی سوابق پیشرفت ممکن است به جوانان برای شناخت بهتر نیازهای خود به کسب مهارت و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های آتی، کمک کنند.

● زمینه برای همکاری‌های بیش‌تر بین کارفرمایان نهادهایی همچون گروه‌های ارائه دهنده‌ی خدمات درمانی - بهداشتی، ارائه‌دهندگان آموزش در مجامع و مدرسه‌ها برای آموزش جامع مهارت‌های زندگی، از جمله خوداشتغالی و مهارت لازم برای یافتن شغل، وجود دارد.

● کارفرمایان و تدوین‌کنندگان برنامه‌های درسی باید به ایجاد مهارت‌های خلاق، زیبایی‌شناختی و هماهنگی اعضای بدن؛ برای تأمین نیازهای شغلی جامعه در آینده و مقابله با این انتقاد که بسیاری از مشاغل فاقد خلاقیت هستند، توجه نشان دهند

نقش کارفرمایان

یافته‌های این تحقیق برای کارفرمایان نیز پیامدهایی دارد. جوانان شرکت‌کننده در این بررسی تأکید داشتند، تجربه‌های کار نیمه‌وقت و اشتغال می‌تواند به ایجاد مهارت‌های زندگی کمک کند. این موضوع، پرسش‌های متفاوتی را برمی‌انگیزد. آیا کارفرمایان از تأثیری که می‌توانند در زمینه‌ی فراگیری مهارت زندگی توسط جوانان داشته باشند، آگاهند؟ کارفرمایان تا چه اندازه می‌توانند مهارت‌های زندگی قابل انتقال به جوانان را تشخیص دهند، این مهارت‌ها را تقویت کنند و از آن‌ها برای افزایش کارایی واحد اقتصادی خود استفاده کنند؟ یافته‌های این تحقیق درباره‌ی اهمیت تجربیات کسب شده در محیط کار نشان می‌دهند که:

● کارفرمایان باید خط مشی‌ها و سیاست‌های استخدامی خود را ارزیابی کنند تا معلوم شود، آیا این سیاست‌ها در قبال مهارت‌های ارزشمند زندگی که ممکن است جوانان از آن‌ها بهره‌مند باشند، همچون مهارت حل مشکلات که اغلب به عنوان یک قابلیت به رسمیت شناخته نمی‌شوند، حساس هستند یا خیر.

موارد و نمونه‌های دوره‌هایی که برای مشخص ساختن نیازهای

● متمرکز ساختن تلاش‌ها به منظور ایجاد و توسعه‌ی مهارت‌های زندگی برای تربیت نسل شایسته، کاردان و آماده برای رقابت کافی نیست. باید روحیه و اشتیاق مردم برای مشارکت در فرصت‌های آموزشی در خلال زندگی نیز تقویت شود. انجام و تحقق چنین هدف پیچیده‌ای به کمک‌های مداوم دولت، دست‌اندرکاران مسائل آموزشی، کارفرمایان، نهادهای مرتبط و والدین نیاز دارد. در پرتو مساعدت همه‌ی این گروه‌ها و نهادهای می‌توان تسهیلات لازم را برای آموزش مادام‌العمر انسان‌ها فراهم آورد. افزون بر این، باید رهنمودهای لازم درباره‌ی ماهیت در حال تغییر و فراهم بودن فرصت‌های تازه برای فراگیری دانش و مهارت‌های زندگی به مردم ارائه شوند.

پایبندی به آموزش در سراسر زندگی

در این مقاله بر اهمیت نقش اشتغال و تجربیات شغلی در تقویت مهارت‌های اصلی زندگی تأکید کردیم و ضرورت اصلاحات برای افزایش توان کارفرمایان، ارائه‌دهندگان آموزش و دیگر نهادهای مربوط، در تقویت مهارت‌های زندگی، را شرح دادیم. با وجود این، همان‌گونه که جوانان شرکت‌کننده در این پژوهش خاطر نشان ساختند، مهارت‌هایی که برای موفقیت در شغل ضرورت دارند، در واقع همان مهارت‌هایی هستند که برای موفقیت در زندگی، انسان‌ها به آن‌ها نیاز دارند. همین نکته، اهمیت فراگیری در معنی گسترده‌ی این واژه را در سراسر زندگی، روشن می‌کند. تأکید بنیاد فراگیری مادام‌العمر بر ضرورت فراگیری مهارت در سراسر زندگی برای موفقیت در زندگی (و نه صرفاً اشتغال)، به خوبی این موضوع را مشخص می‌کند که:

...به استثنای موارد خاص و زمینه‌های فنی، مهارت‌های مورد نیاز، برای یافتن شغل و موفقیت‌های شخصی در زندگی، در اصل یکسان هستند. اشتیاق و توانایی برای فراگرفتن، حل مشکلات، تفکر انتقادی، اندیشیدن، مهارت شخصی و چگونگی رفتار و برخورد با دیگران، مدیریت تغییرات، و احترام به خویشان، از جمله رموز موفقیت در کار و زندگی مشترک و ایفای نقش والدین و شهروندی مسؤول است.

زیر نویس:

1. progress File
2. Saunders
3. Royal Society of Arts
4. Lifelong Learning foundation

منبع:

<http://www.scre.ac.uk/spotlight/spotlight78.html>

نظر کارفرمایان صورت گیرد. همچنین بهتر است این کار با همکاری میان کارفرمایان و آموزگاران همراه باشد تا در آموزش مهارت‌های زندگی، مهارت‌های کنونی جوانان نیز مورد توجه قرار گیرند، مهارت‌ها و دانش آن‌ها تقویت شود، و جوانان همواره آموزگاران و کارفرمایان خود را از آنچه فرا می‌گیرند، مطلع کنند.

در بسیاری از طرح‌های کارآموزی از جوانان خواسته می‌شود، آنچه را در جریان کار درباره‌ی خود آموخته‌اند، بازگو کنند. چنانچه این فرایند شکل سازمان‌یافته و رسمی به خود بگیرد، جوانان می‌توانند از آنچه در دوره‌های کارآموزی فرا گرفته و آن‌ها را ثبت کرده‌اند، به عنوان سوابق تحصیلی و شغلی خود، هنگام درخواست کار از شرکت‌ها و مؤسسات استفاده کنند.

همکاری و نقش دولت‌ها

از آن‌جا که مهارت‌های زندگی با شرایط و وضعیت‌های متفاوتی ارتباط دارند و تحت تأثیر عوامل گوناگون هستند، موفقیت در این عرصه درک و همکاری بین کارفرمایان، مدرسه‌ها، نهادهای آموزشی محلی، شرکت‌های محلی، نهادهای راهنما و همه‌ی سازمان‌هایی است که خواهان آموزش و تقویت مهارت‌های زندگی هستند، حمایت‌های دولت و نهادهای سیاست‌گذار در ایجاد تسهیلات لازم برای تداوم تقویت و گسترش مهارت‌های زندگی و تلاش همه‌ی نهادهایی که بر شمردیم، اهمیت حیاتی دارد. برای فراهم آوردن حمایت لازم چنین به نظر می‌رسد که:

● به منظور تشویق کارفرمایان به ایجاد امکانات لازم برای جوانان در کسب تجربه‌ی مناسب هنگام کارآموزی، دولت باید رهنمودها و انگیزه‌های بیش‌تری فراهم آورد.

● موارد و نمونه‌های مربوط به بهترین شیوه‌ی توسعه‌ی مهارت‌های زندگی از طریق تجربیات به دست آمده در محیط کار باید با گستردگی بیش‌تری تبلیغ و به آگاهی دیگران رسانده شود. این‌گونه فعالیت‌ها نیاز به حمایت دارند. برای مثال، رهنمودهای لازم برای بهترین شیوه‌ی سازماندهی و ارزیابی تجربیات شغلی می‌توانند مفید واقع شوند. دولت، کارفرمایان و مدرسه‌ها باید در زمینه‌ی چنین مسائلی همکاری‌های بیش‌تری داشته باشند. اندیشه‌ها و نتایج تحقیقات به عمل آمده توسط سازمان‌های مربوطه، همچون «انجمن سلطنتی هنر»^۲ و «بنیاد فراگیری مادام‌العمر»^۳ می‌توانند در این راه مفید واقع شوند.

● سیاست‌ها و تدبیرهای مربوط به ایجاد مهارت‌های زندگی در جوانان، باید به دقت برای کارفرمایان، نهادهای آموزشی و پرورشی، و افراد تشریح شوند.